

مفوضات - تفسیر دوازدهم از

مکاشفات یوحنا

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



تفسیر باب دوازدهم از مکاشفات یوحنا - مفوضات - اثر

حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

از پیش گذشت که مراد از شهر مقدس و اورشلیم الهی در کتب مقدسه در اکثر مواضع شریعة الله است که گاهی بعروس تشبیه میفرماید و گاهی باورشلم تعبیر مینماید و گاهی باآسمان جدید و زمین جدید تفسیر میفرماید چنانچه در باب بیست و یکم از مکاشفات یوحنا میفرماید " دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید چونکه آسمان اول و زمین اول در گذشت و دریا دیگر نمی باشد و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل میشود حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است و آوازی بلند از آسمان شنیدم میگفت اینک خیمه خدا با آدمیانست و با ایشان ساکن خواهد بود که ایشان قومهای او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود ". ملاحظه نمائید که چگونه واضح و مشهود است که مقصد از آسمان و زمین اول ظواهر شریعت سابق است زیرا میفرماید آسمان و زمین اول در گذشت و دریا دیگر نمیشد یعنی ارض ارض محشر است و در ارض محشر دریا نبود یعنی تعالیم و شریعة الله در روی زمین جمیعاً منتشر گردد و کل بشر در امر حق داخل گردد و کره ارض بتمامه مسکن انسان مؤمن شود پس دریا نماند زیرا مسکن و مأوای انسان ارض یابس است یعنی در آن دور میدان آن شریعت جولانگاه انسانست و ارض مستقر است اقدام بر آن نلغزد . و همچنین شریعة الله را بشهر مقدس اورشلیم جدید تعبیر مینماید و این واضح است که شهر اورشلیم جدید که از



ORIGINAL



AUDIO

آسمان نازل میشود شهر سنگ و آهک و خشت و خاک و چوب نیست شریعة الله است که از آسمان نازل میشود و تعبیر بجدید میفرماید زیرا اورشلیم که از سنگ و خاکست واضح است که از آسمان نزول نماید و تجدید نشود و آنچه تجدید میشود شریعت است . و همچنین شریعة الله را تشبیه بعروس آراسته فرموده که در نهایت تزئین جلوه نماید چنانچه از پیش گذشت . در فصل بیست و یکم از رؤیای یوحنا که شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل میشود حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است و در فصل دوازدهم از رؤیای یوحنا مذکور است که میفرماید " علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پاهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است . " این زن آن عروس است که شریعة الله است که بر حضرت محمد نازل شد و آفتاب و ماه که در بر و زیر قدم دارد دو دولت است که در ظل آن شریعت است دولت فرس و دولت عثمانی زیرا علامت دولت فرس آفتابست و علامت دولت عثمانی هلالست که ماه است این آفتاب و ماه رمز از دو دولت است که در ظل شریعة الله است . و بعد میفرماید که بر سرش تاجی از دوازده ستاره است و این دوازده ستاره عبارت از دوازده ائمه است که مروج شریعت محمدیه بودند و مریبان ملت که مانند ستاره در افق هدایت میدرخشیدند . بعد میفرماید " و آبتن بوده از درد زه و عذاب زائیدن فریاد برمیآورد " یعنی این شریعت در مشکلات عظیمه افتد و زحمت و مشقات عظیمه کشد تا ولدی کامل ازین شریعت حاصل گردد یعنی ظهور بعد و موعود که ولدی کاملست در آغوش این شریعت که مانند مادر است پرورش یابد و مقصود ازین ولد حضرت اعلی و نقطه اولی است که فی الحقیقه زاده شریعت محمدیه بود یعنی حقیقت مقدسه ای که طفل و نتیجه شریعة الله که مادر است و موعود آن شریعت است در ملکوت آن شریعت تحقق یافت ولی از تسلط اژدها نزد خدا ربوده شد بعد از ۱۲۶۰ روز اژدها محو شد آن زاده شریعة الله موعود ظاهر گشت . " و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر و دهمش ثلث ستارگان آسمانرا کشیده بر زمین ریخت " آن اژدها بنی امیه است که مستولی بر شریعت محمدیه شدند و هفت سر و هفت افسر عبارت از هفت مملکت و سلطنت است که بنو امیه بر آن استیلا یافتند مملکت روم که در بریة الشام بود ، مملکت فرس ، مملکت عرب ، مملکت مصر ، مملکت افریقا یعنی تونس و جزائر و مراکش ، مملکت اندلس که الآن اسپانیاست ، مملکت ترک ما وراء النهر ، بنو امیه بر این ممالک استیلا یافتند و ده شاخ که عبارت از ده اسم از ملوک بنی امیه است که بدون تکرار ده پادشاهند یعنی ده اسمند که ریاست و سلطنت کردند اول ابی سفیانست و آخر مروان زیرا اسماء بعضیشان تکرر یافت من جمله دو معاویه و سه یزیدند و دو ولید و دو مروان اینها مکرر شده اند چون من دون تکرار اسماء حساب شود ده میشوند . و این بنو امیه که بدایتشان ابو سفیانست که وقتی

امیر مگه بوده و سر سلسله امویانست و آخرشان مروان ثلث نفوس مقدّسه مبارکه را از سلاله طاهره که ستارگان آسمان بودند محو کردند. و ازدها پیش آن زن که میزائید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد " این زن شریعة الله است چنانچه از پیش گذشت و ایستادن در نزد آن یعنی آن ازدرها مراقب بود تا آن زن بزاید فرزند او را ببلعد و این فرزند آن مظهر موعود بود که زاده شریعت محمدیه است و بنوامیه همیشه منتظر آن بودند که آن شخص موعود که از سلاله حضرت محمد خواهد آمد و موعود است او را بدست آرند و محو و نابود کنند زیرا نهایت خوف از ظهور مظهر موعود داشتند و هر جا نفسی را از سلاله حضرت محمد یافتند که در انظار محترم بود او را هلاک نمودند. " پس پسری زائید که همه امتهای زمین را بعصای آهنین حکمرانی خواهد کرد " این پسر بزرگوار مظهر موعود است که از شریعة الله تولّد یافت و در آغوش تعالیم الهیه پرورش شد و عصای آهنین کتایه از قوت و قدرتست نه شمشیر یعنی بقوت و قدرت الهیه جمیع امتهای زمین را شبانی خواهد فرمود مقصود از این فرزند حضرت اعلی است. " و فرزندش بنزد خدا و تخت او ربوده شد " این اخبار از حقیقت حضرت اعلی است که صعود بحیز ملکوت عرش الهی مرکز سلطنت الهیه فرمودند ملاحظه نمائید که چقدر مطابق واقعست " و زن بیابان فرار کرد " یعنی شریعة الله بصحرا فرار کرد یعنی بصرای واسع حجاز و جزیره العرب انتقال نمود " و در آنجا مکانی از برای وی از خدا مهیا شده است " یعنی جزیره العرب مأوی و مسکن و مرکز شریعة الله شد " تا او را مدت هزار و دویست و شصت روز پرورند " و این هزار و دویست و شصت روز هر روزی باصطلاح کتاب مقدّس عبارت از یک سالست چنانکه از پیش گذشت و شریعة الله هزار و دویست و شصت سال در بادیه عرب صحرای عظیم پرورش یافت و مظهر موعود از او تولّد گشت دیگر حکمی بعد از هزار و دویست و شصت سال از برای آن شریعت نماند زیرا ثمره آن شجر ظاهر گردید و نتیجه حاصل شد ملاحظه فرمائید که چقدر نبوتها مطابق یکدیگر است. در مکاشفات ظهور موعود را چهل و دو ماه تعیین نماید و دانیال نبی سه روز و نیم تصریح کند این نیز چهل و دو ماه میشود و چهل و دو ماه هزار و دویست و شصت روز میگردد لهذا در مکاشفات یوحنا در جای دیگر صراحتاً هزار و دویست و شصت روز بیان کند و در کتاب مقدّس منصوص است که هر روزی عبارت از یک سالست و از این صریحتر ممکن نیست که جمیع اخبار با یکدیگر توافق نماید و حضرت باب در سنه هزار و دویست و شصت از هجرت حضرت محمد که تاریخ عموم اسلامست ظاهر شد و در کتاب مقدّس اخباری از این صریحتر در حق هیچ ظهوری نیست اگر انصاف باشد توافق این اوقات مذکوره از لسان بزرگواران اعظم برهانست و بهیچ وجه تأویل برنمیدارد. خوشحال بحال نفوس منصفه که تحرّی حقیقت نمایند اما اگر انصاف نباشد محاججه کنند و مجادله نمایند و انکار امر واضح کنند مانند فریسیان در ظهور مسیح که در نهایت لجاجت انکار تفاسیر و بیان حضرت مسیح و حواریین

مینمودند و بجهله عوام امر را مشتبه میکردند که این اخبار در حقّ این یسوع نیست بلکه در حقّ موعود است که من بعد بشروط مذکوره در تورات خواهد آمد و از جمله شروط سلطنت و جلوس بر سریر داود و ترویج شریعت تورات و ظهور عدالت کبری و اجتماع گرگ و میش بر چشمه واحد است لهذا ناس را محتجب از مسیح نمودند .